

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

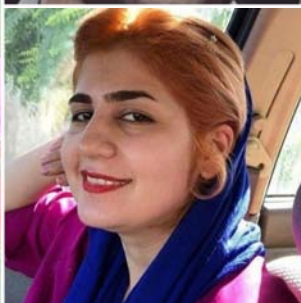
Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۰۹ فبروری ۲۰۱۹



به سبگ چنگیز خان مغول



پیراهن شرم را دریدند
شبانه نیزه به دست
در بستر خواب
شوالیه های زمانه ما را ربودند

از این که آنها !
در جست و جوی یک سؤال به صدها چرا؟ رسیدند
جوابی که بر مغزشان سنگینی می کرد
تبدیل به باور شد
به همین دلیل ساده !
پرچم غرور را برگزیدند
تخم !
به صدها سپیده و اسماعیل را در این خاک نهیدند
تا در پاسخ به صدها سؤال !
گلهای سرمست از عشق برویند

در طول زندگیم !
این شانس را داشتم
که با انسانهای بزرگی آشنا شوم
انسانهایی که با شنیدن نامشان دچار هیجان و شادابی شدم انسان هایی که نامش در ذهنم حک شده است
انسانهایی که خیلی ساده می توانم توصیفشان کنم
انسانهایی که در وجودم ریشه زدند !
بخشی از فکر و ذهنم شده اند .
سوم ابتدائی بودم با نام و داستانهای صمد بهرنگی آشنا شدم
معلمهای بسیار خوبی داشتم
استادانی بزرگ، که شعور انسانی و معرفت جز درسهای مهم شان بود و مرابه دنیای روشنائی هدایت کردند،
وقتی که در سنج کارگر شجاع و آگاه "جمال چراغ ویسی" را تیرباران کردند
آن زمان من در کشور عراق سرگردان !
با امیدهای بر باد رفته،
در یک تند پیچ زندگی /پیشانی و دچاره آشفتهگی فکری شده بودم/ درد ناشی از آن عذابی بود پر درد در وجودم !
هر چند بازگشت به گذشته تلخ است
گاهی در وسط راه توقفی کوتاه و با نگاهی هر چند گذرا
به راه طی شده در زندگی ضروری است تا در پیچ و خم های زندگی دچار بیراه نشوید !
علی رغم شرایط بدی که در آن گرفتار شده بودم
قلبم صمیمانه برای جمال چراغ ویسی می زد
با وجود این که هرگز او ندید بودم
شجاعت و ایمانش جزء مقدسات حک شده در ذهنم شده بود،
در آن زمان رسانه ها انحصاری بود
مثل امروز نبود که ما هم بتوانیم صدای مان را رسانه ئی کنیم
چشمهای ترمان را به دیگران نشان دهیم
یا عاشقانه از کسی دفاع کنیم
دنیای غم انگیزه و پردردی بود
انسانهای زیادی همچون باد توفنده /آمدن و رفتند که در ذهن و بخشی از خاطرات خوب و زیبای زندگی ما شدند
همچون خورشید گرم نور امید رابه دلهای ما بخشیدند !
و ما را در رؤیاهای شیرین غرق کردند،

هدف از این مقدمه نگاهی ست
به اعتصاب کارگران هفت تپه که هزاران تپه شد
که جهانی را با خود همراه کرد و تأثیرگذار بود .

جهانی که شوق دل من و شما را به اوج زیبایی رساند
زیبائی که از آن اسماعیل بخشی !
با صلابتی بی نظیر و با قامتی استوار پای به میدان گذاشت !
فریادهای کارگران هفت تپه را به هزار تپه تبدیل کرد
هزار تپه ای که رویاهای ما را از قفس آزاد و دوباره پرواز داد !
روایای زیبایی ها !
آنقدر زیبا که
آسمان و زمین هر دو خدای زیبایی و غرور را
به نام سپیده قلیان آفریند
تا زندگی را برای ما نه تنها جذاب و دوست داشتنی
بلکه به آن هیجان دادند
چه روزگار زیبایی !
گرچه ستمگران در اوج بزدلی
شوالیه های سرخ ما را ربودند .
و نمی فهمند هنوز !
که هر تار موی سپیده توفنده تر از هر گردبادی که با هزاران سپیده همراه ست
که شما را آرام و بی صدا به عمق دریا می برد
هر لبخند سپیده رعد و برقیست
که شما را در طغیان چشمه ها با دریای از خشم هزاران دختر و پسر جوان روبه رو می سازد تا در آخرین تنوره های
آب غرق کنند .
آخرین هشدار
تنها سپیده نیست که به شکنجه معترض است
هزاران سپیده در ایران به وجود خود شما معترض است .
سپیده این دختر جسور و زیبا را رها کنید
سپیده و اسماعیل را آزاد کنید قبل از آن که دیر شود .
موج برابری طلبی همچون رودخانه آرام بی صدا در حال عبور است . آنها نماد ارزشهای انسانی اند و انسانیت خورشید
گرم و آتشین است که جان هر ستمکار را می سوزاند
شمی صلواتی